

An Analysis of the Threats to Economic Security in the Government of Hāshemi Rafsanjāni from the View of Imam Khomeyni¹

Alireza Sadra¹, Seyed Hassan Ghazavi², Seyed Abolfazl Hosseinizadeh³

1. Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. sadra@ut.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of History, Civilization and Islamic Revolution, University of Tehran, Tehran, Iran. shghazavi@ut.ac.ir

3. PhD. Student, Islamic Revolution Studies, University of Tehran, Tehran; a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran (**Corresponding author**). abolfazl.hoseyni@ut.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review the threats to economic security of the society during the presidency of Hāshemi Rafsanjāni, based on the economic ideas of Imam Khomeyni. The method of study is descriptive-analytic and the results indicated that neglecting the ideas and advice of Imam Khomeyni had a basic role in the occurrence of threats to economic security during the second decade of the revolution. In the decade under study, some factors such as unbalanced development, tendency to capitalist economy, neglecting social justice, oil dependence, social inequality, administrative and managerial corruption, increasing import and propagation of consumerism, unemployment, and deviation in privatization were threatening economic security of the society but if the ideas of Imam Khomeyni were considered, Islamic society would not face such threats.

Keywords: Economic Security, Hāshemi Rafsanjāni, Economic Policies, Imam Khomeyni, Iran's President.

1. Received: 2021/07/10 ; Revised: 2021/09/03 ; Accepted: 2021/11/25

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary

بررسی تهدیدات امنیت اقتصادی در دولت هاشمی رفسنجانی از منظر امام خمینی^۱

علیرضا صدرا^۱، سید حسن قاضوی^۲، سید ابوالفضل حسینی زاده^۳

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. sadra@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. shghazavi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه تهران، تهران؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران
(نویسنده مسئول). abolfazl.hoseyni@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تهدیدات امنیت اقتصادی جامعه در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بر اساس اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که غفلت از اندیشه‌ها و توصیه‌های امام خمینی، در بروز تهدیدات امنیت اقتصادی در دهه دوم انقلاب، نقشی اساسی داشت. در دوره مورد بررسی توسعه نامتوازن، گرایش به اقتصاد سرمایه‌داری، غفلت از عدالت اجتماعی، وابستگی به نفت، فاصله طبقاتی، فساد اداری و مدیریتی، افزایش واردات و ترویج مصرف‌گرایی، بیکاری، انحراف در خصوصی‌سازی، امنیت اقتصادی جامعه را تهدید می‌نمود که در صورت توجه به اندیشه امام خمینی، جامعه اسلامی با چنین تهدیداتی مواجه نمی‌شد.

واژه‌های کلیدی: امنیت اقتصادی، هاشمی رفسنجانی، سیاست‌های اقتصادی، امام خمینی، رئیس جمهور ایران.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری، با عنوان: بررسی تلقی حاکم بر امنیت در جمهوری اسلامی ایران از منظر اندیشه فقهی امام خمینی: تطبیق موردی دولت‌های ۶۸ تا ۹۲، اساتید راهنما: علیرضا صدرا و سید حسن قاضوی است.

صدرا، علیرضا؛ قاضوی، سید حسن؛ حسینی زاده، سید ابوالفضل (۱۴۰۱). بررسی تهدیدات امنیت اقتصادی در دولت هاشمی رفسنجانی از منظر امام خمینی. *سیاست متعالیه*، ۱۰ (۳۶): ص ۲۱۵-۲۳۴. DOI: 10.22034/sm.2022.533740.1726

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر توجه به بُعد اقتصادی امنیت رو به فزونی گذاشته و متغیرهای اقتصادی در مقایسه با متغیرهای نظامی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. همچنین مناقشه‌های اقتصادی جای درگیری‌های نظامی را گرفته است (روزکرانس، ۱۳۸۶: ص ۳۴۹). بر این اساس، تأمین امنیت اقتصادی را می‌توان یکی از اولویت‌های برنامه‌ریزی توسعه و پیشرفت در همه دولت‌ها ذکر کرد. در ایران نیز خسارات جنگ تحمیلی باعث گردید تا «توسعه پایدار در عرصه اقتصادی»، هدف بنیادی دولت هاشمی قرار گیرد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ص ۳۸۶).

در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی بازتاب سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی با شاخصه‌های امنیت اقتصادی امام خمینی است. نقش اندیشه‌های امام خمینی در همراه ساختن توده عظیم مردم و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌طلبد که سیاست‌ها و راهبردهای کلان دولت‌ها را در رصد دائمی با اندیشه ایشان قرار داد تا انطباق کامل سیاست‌ها با اندیشه ایشان، مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اهمیت این پژوهش در ارائه الگویی است که بتوان بر اساس آن، چهارچوب سیاست‌های کلان امنیت اقتصادی را از منظر امام خمینی، طراحی نموده و یا آنها را مورد نقد و بررسی قرار داد.

همچنین پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که در پی سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی، چگونه امنیت اقتصادی جامعه مورد تهدید قرار گرفت؟ و آیا امکان پیشگیری از آن‌ها در صورت توجه به اندیشه‌های امام خمینی وجود داشت؟ فرضیه پژوهش این است که در اندیشه امام خمینی، شاخصه‌هایی برای تأمین امنیت اقتصادی وجود دارد که در صورت رعایت آن‌ها، امنیت اقتصادی در این دوره به خطر نمی‌افتاد.

آثار پژوهشی موجود، تحقیقاتی هستند که یا برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب و سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی را مورد بررسی قرار داده‌اند، بدون اینکه با اندیشه امام خمینی تطبیق داده شود و یا آثاری هستند که صرفاً به دیدگاه امام خمینی در مورد مسأله امنیت اقتصادی، ذیل مفهوم امنیت ملی پرداخته‌اند، بدون اینکه با نگرش دولت‌ها در ایران تطبیق داده شود. لذا، تحقیقی که به دنبال بررسی بازتاب سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی از منظر اندیشه امام خمینی باشد، یافت نشد.

۲. مفهوم امنیت اقتصادی

ماندل، امنیت اقتصادی را در میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها

و خدمات و از مجرای عملکرد داخلی و حضور در بازارهای بین‌المللی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۷: ص ۷۴). بوزان، امنیت اقتصادی را در دسترسی به منابع، سرمایه و پول، منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطح قابل قبول از رفاه و قدرت دولت، تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۳۴).

در اندیشه سیاسی اسلام، امنیت اقتصادی به مصونیت یک فرد، گروه و ملت از تعرض و تجاوز به حقوق اقتصادی مشروعش، همچون ضروریات زیستی، رفاه عمومی و رشد اقتصادی، تعریف می‌شود (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ص ۹۹). در فقه شیعه، هر آن چیزی که باعث اخلال و افساد در نظام از جمله نظام اقتصادی گردد، در زمره تهدیدات اقتصادی قرار می‌گیرد (علیدوست، ۱۳۸۸: ص ۱۲۶-۱۲۷).

به نظر بوزان، تهدید اقتصادی پیچیده‌ترین تهدید برای بررسی در چارچوب امنیت ملی است، زیرا وضعیت عادی بازیگران اقتصادی با ریسک، رقابت تهاجمی و عدم قطعیت گره خورده و کارایی بازار در این است که بازیگران فاقد کارایی را به ورشکستگی تهدید کند و در این صورت است که سیستم طوری عمل می‌کند که موجب تولید موثر ثروت و رفاه می‌شود (بوزان، ۱۳۹۹: ص ۱۳۴). اما چنانچه عواقب تهدید اقتصادی به سه بخش اقتصاد، امور نظامی و سیاسی گسترش یابد، آنگاه مسأله امنیت ملی مطرح می‌شود. چراکه بین توانایی اقتصادی و قدرت نظامی، سیاسی و اجتماعی، پیوند محکمی برقرار است (همان: ص ۱۳۵-۱۳۶).

به نظر بوزان، تنش بین آسیب‌پذیری و کارایی، در همه سطوح امنیت اقتصادی جریان دارد. لذا، تعریف امنیت اقتصادی در هر کدام از این سطوح متناسب با همان سطح صورت می‌گیرد. در سطح فردی، تعریف اساسی امنیت اقتصادی از حیث دسترسی به ضروریات رفع نیازهای بنیادین بشری (غذا، آب، پناهگاه و آموزش) صورت می‌گیرد. در اینجا امنیت اقتصادی با طیفی از مسائلی همچون اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط می‌شود. در سطح شرکت‌ها، آنها با حفظ خود در رأس بازار از طریق نوآوری، انطباق بهتر یا ایجاد انحصار و کسب سهمی از بازار با حمایت سیاسی، می‌توانند امنیت خود را تأمین نمایند. در سطح طبقه نیز می‌توان گفت که منافع امنیتی طبقات و شرکت‌ها تا حدود زیادی در منافع دولت‌های مرتبط با آنها قرار دارد. در سطح دولت نیز به شرایط اقتصادی ضروری دولت برای بقاء خود توجه می‌شود. دولت‌ها در تأمین امنیت اقتصادی، نیازمند توجه به دو عنصر اساسی هستند:

۱. به راه‌های ضروری تأمین همه اقلام حیاتی خود دسترسی سریع داشته باشند.
۲. سلامتی و حتی بقای دولت به رویه‌های پیشرفته‌تر و موفق‌تر در سیستم بین‌المللی مربوط است.

شکست در انطباق یا حتی کندی نسبی در این انطباق، به معنی از دست دادن مداوم قدرت و حتی افزایش آسیب‌پذیری در مقابل طرف‌های موفق‌تر است (همان: ص ۲۴۱-۲۴۶).

۳. مبانی امنیت اقتصادی در اندیشه امام خمینی

در رویکرد امام خمینی به فقه، امر حکومت و اداره جامعه اسلامی و حفظ و صیانت از نظام و مصالح مسلمانان، بر کلیت فقه سایه انداخته و اقتضانات اداره جامعه و شرایط عینی حاکم بر جامعه اسلامی و چالش‌های تهدیدکننده نظام اسلامی و مصالح مسلمانان، هم در فهم احکام و هم در فرایند اجرا و تحقق بخشیدن به احکام اسلامی تأثیرگذار خواهد بود (واعظی، ۱۳۹۸: ص ۴۳). ایشان به نظام اقتصادی در فقه شیعه معتقد بوده و هدف از آن را نیز نفی فقر و استضعاف در قالب عدالت می‌دانستند. حاکمیت نظام اقتصادی اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ص ۳۳۹-۳۴۱)، آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی (همان: ج ۲۰، ص ۳۳۹-۳۴۱)، تعدیل ثروت به طور عادلانه (همان: ج ۳، ص ۳۲۳؛ ج ۸، ص ۴۷۰)، مقابله با اختلاف طبقاتی (همان: ج ۸، ص ۴۷۰)، استقلال اقتصادی (همان: ج ۱۷، ص ۳۳) را می‌توان از جمله مبانی فکری امام خمینی در حوزه امنیت اقتصادی دانست.

۴. سیاست‌های کلان اقتصادی در دولت هاشمی

۴-۱. ترمیم خسارات جنگ تحمیلی

خرابی‌ها و خسارات ناشی از جنگ تحمیلی، تحریم گسترده اقتصادی آمریکا، رکود فعالیت‌های تولیدی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی و خصوصی، افزایش جمعیت، بیکاری، تورم، افزایش کسری بودجه و استقراض دولت از بانک مرکزی، کسری تراز ارزی و پائین رفتن سطح زندگی، وابستگی شدید اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی و تقلیل و عدم ثبات این درآمدها و... از جمله مشکلات پیش روی دولت هاشمی بود که توانست با شعار حل آن‌ها، دولت پنجم و ششم را تشکیل دهد (آموزگار، ۱۳۷۱: ص ۷۵۱-۷۵۳؛ حمیدی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۴).

۴-۲. سیاست تعدیل اقتصادی

برنامه اول توسعه کشور، در بهمن سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اما دولت در راستای اجرایی کردن برنامه توسعه، برنامه جدیدی در سازمان برنامه و بودجه به نام برنامه «تعدیل اقتصادی»

تدوین نمود و از سال ۱۳۶۹ به مورد اجرا گذاشت و عملاً برنامه اول توسعه اقتصادی تبدیل به برنامه تعدیل شد (فوزی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۲۵۹).

سیاست تعدیل اقتصادی به عنوان تلاشی سازمان‌یافته برای رشد اقتصادی محسوب می‌شد و یکی از توصیه‌های اصلی نهادهای بین‌المللی سرمایه‌داری برای توسعه در کشورهای جهان سوم است. در این راستا، کشورهایی که قادر به ایجاد تغییر در ساختار اقتصادی خود نباشند، مورد حمایت نهادهای بین‌المللی اقتصاد سرمایه‌داری قرار نمی‌گیرند. ایران نیز برای بهره‌گیری از حمایت‌های بین‌المللی تلاش کرد تا نیازهای خود را از طریق هماهنگ‌سازی با اقتصاد بین‌الملل تأمین نماید. در این زمینه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در تنظیم ساخت‌های داخلی کشورهای جهان سوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۲۵). کنترل تورم، کاهش کسری بودجه و خصوصی‌سازی از مولفه‌ها و عناصر اصلی سیاست‌های تعدیل اقتصادی بودند (همان: ص ۳۰-۳۱).

انوشیروان احتشامی، یازده عامل را در فرآیند اصلاح اقتصادی کشور در طول مدت اجرای برنامه‌های توسعه بیان می‌کند (احتشامی، ۱۳۷۸: ص ۲۴) که می‌توان مهم‌ترین آن را خصوصی‌سازی دانست که در جهت افزایش کارایی، کاهش حجم تصدی‌گری دولت، ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات کشور صورت می‌گرفت (بهکیش، ۱۳۸۱: ص ۱۱۷).

۵. تهدیدات امنیت اقتصادی در دوره هاشمی و اندیشه امام خمینی

در دولت هاشمی، اگرچه با تصویب و اجرای برنامه اول و دوم توسعه، پیشرفت‌های اقتصادی خوبی حاصل شد، اما موجب بروز ناهنجاری‌های اقتصادی نیز گردید که امنیت اقتصادی جامعه را در معرض تهدید قرار می‌داد. با اقرار و اعتراف به موفقیت‌های قابل توجه دولت هاشمی در عرصه اقتصادی، پژوهش حاضر صرفاً درصدد نقد تهدیداتی است که امنیت اقتصادی جامعه را با چالش مواجه می‌ساخت و در صورت توجه به اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی، آن تهدیدات عملی نمی‌شد.

۵-۱. توسعه نامتوازن

«توسعه اقتصادی»، ایدئولوژی دولت هاشمی در دوره سازندگی بود. ایشان به محض در اختیار گرفتن مسئولیت اجرایی کشور، کابینه خود را یک کابینه کاری اعلام کرد و از مهم‌ترین قیودی که برای دولت‌مردان خویش در نظر گرفت، برحذر داشتن آن‌ها از «کارهای سیاسی» بود (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ص ۳۹۳).

اما توسعه اقتصادی او، یک برنامه توسعه غیر متوازن مبتنی بر گفتمان رشد محور بود که توسعه کشور را بر اساس سرمایه‌گذاری خارجی و حداکثرسازی ظرفیت تولید در نظر می‌گرفت، در حالی که تحقق آن مستلزم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران نیز بود. به نظر برخی از نظریه‌پردازان توسعه اقتصادی، توسعه غیر متوازن و الگوهای توسعه‌ای مبتنی بر ضرورت‌ها و مدل‌های بین‌المللی، مشکلات کشورهای جهان سوم را در روند توسعه بیشتر کرده و زمینه بی‌ثباتی سیاسی و ساختاری را در بسیاری از کشورها، به وجود می‌آورد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۱۳-۱۴).

با اینکه توسعه سیاسی یکی از عناصر مهم در توسعه است، اما عملکرد دولت هاشمی در این زمینه موفقیت‌آمیز نبود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۲۱۱-۲۱۲). به نظر هانتینگتون، دولت‌ها معمولاً نگاهی منفی به تقاضای روزافزون شهروندان برای مشارکت بیشتر در قدرت دارند و به دلایلی چون عدم امکانات ساختاری و بوروکراتیک لازم برای پاسخ‌گویی به این تقاضاها و عدم آشنایی مشارکت‌طلبان با قواعد بازی و در نتیجه احتمال ایجاد بی‌ثباتی، معمولاً در برابر این امر مقاومت می‌کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ص ۲۱). از این‌رو ترس از بی‌ثباتی مخرب در راه توسعه اقتصادی، دولت‌سازندگی را به عدم توجه کافی یا تقلیل توسعه سیاسی به برخی اقدامات کوچک همچون افزایش تعداد نشریات کشاند و به جای توسعه سیاسی، از ثبات سیاسی حمایت کرد (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۶۳). سیاست تعدیل اقتصادی دولت‌سازندگی، همچنین زمینه افزایش وابستگی به نظام جهانی و کاهش استقلال ملی را نیز فراهم کرده بود که خود باعث ایجاد موانعی در فرایند توسعه سیاسی و مردم‌سالاری می‌شد (بشیریه، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳، ۲۱۶).

توجه صرف دولت هاشمی رفسنجانی به توسعه اقتصادی در حالی صورت می‌گرفت که در اندیشه امام خمینی، اولاً، توسعه اقتصادی در صورتی بدست می‌آید که همه اقشار یک جامعه در آن سهیم باشند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۸۶، ۲۴۴)، ثانیاً، توسعه اقتصادی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای برچیده شدن فقر و موانع تکامل و تحول انسان‌ها است (همان: ج ۱۱، ص ۳۷۹)، ثالثاً، توسعه اقتصادی صرفاً یک تحول اقتصادی نیست، بلکه همراه و هماهنگ با سایر تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است (همان: ج ۵، ص ۴۱۰). ایشان بیش از همه بر تقدم توسعه فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی تأکید داشتند (همان: ج ۱۰، ص ۳۸۵: ج ۷، ص ۵۷) و رأس همه اصلاحات را در اصلاح فرهنگ می‌دانستند (همان: ج ۱۰، ص ۳۵۷).

امام خمینی به توسعه سیاسی در کنار توسعه اقتصادی نیز توجه داشت و از همان ابتدای انقلاب، بر اصالت نقش و منزلت مردم در قدرت و اعمال آن تأکید می‌کرد و آن را معیار می‌دانست (همان: ج ۸،

ص ۱۷۲). ایشان مردم را به مشارکت فعال و آگاهانه دعوت می‌کرد و مدیریت متمرکز و غیر مشارکتی را قبول نداشت، و خود نیز تنها به نقش هدایت‌گری و آگاهی‌بخشی اکتفاء می‌نمود، مانند پیشنهاد انتخاب نظام جمهوری اسلامی به مردم (همان: ج ۶، ص ۵۴، ۴۵۱)؛ حتی، نظر جمع و مردم را در شرایط حساس سیاسی، بر رأی و نظر خود ترجیح می‌داد، مانند عمل به پیشنهاد شورای انقلاب در انتخاب دولت موقت، تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی‌صدر و قائم مقامی آیت‌الله منتظری که توسط نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری به این سمت انتخاب شدند (همان: ج ۲۱، ص ۳۳۱). به نظر امام خمینی، در کنار روابط مسالمت‌آمیز با جهان، حفظ استقلال ملی، اصلی خدشه‌ناپذیر است. از این‌رو سیاست‌های برون‌گرا نباید خللی در اعمال حاکمیت ملت ایجاد کند (همان: ج ۲۱، ص ۱۵۵)، در حالی که کاهش توجه به توسعه سیاسی زمینه تضعیف حاکمیت مردم را فراهم می‌نمود.

۵-۲. گرایش به اقتصاد سرمایه‌داری و غفلت از اقتصاد اسلامی

برخی برنامه تعدیل اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی را برنامه‌ای در چهارچوب منافع امپریالیسم و سرمایه‌داری جهانی تعریف می‌کنند که طی آن دولت‌های جهان سوم نقش اصلی را در رشد سرمایه‌داری برعهده می‌گیرند (رزاقی، ۱۳۶۹: ص ۱۶۴-۱۶۰). این سیاست یکی از توصیه‌های اصلی نهادهای بین‌المللی نظام سرمایه‌داری، به ویژه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای توسعه کشورهای جهان سوم بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۲۵) که روند توسعه در آن نیز دارای ماهیتی وابسته به فرآیندهای بین‌المللی و بیشتر به صورت ناموزون است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۰-۱۱۴). سیاست تعدیل اقتصادی پیروی نادرست از برنامه‌های دیکته شده نظام سرمایه‌داری بدون عبرت‌گیری از دیگران بود که مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی در آن مورد توجه قرار نگرفت (رفیعی، ۱۳۸۰: ص ۲۷۰-۲۶۹). همچنین سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، رأس هرم اجتماعی را فربه‌تر و فاصله میان طبقات اجتماعی بالا و پایین را بیشتر می‌کرد. در چنین شرایطی تحولات اقتصادی ایران صرفاً منجر به تقویت روابط سرمایه‌داری در جامعه شده بود (احتشامی، ۱۳۷۸: ص ۵۶-۵۵). سیاست تعدیل اقتصادی، از لحاظ ایدئولوژیک نیز به دلیل هم‌سویی با لیبرالیسم اقتصادی، در نقطه مقابل اقتصاد اسلامی قرار دارد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ص ۵۷). اما برخی از سیاستمداران دولت هاشمی رفسنجانی چاره‌ای جز عمل به آن بر سر راه خود نمی‌دیدند و بیان می‌کردند که اسلام آرای اقتصادی دارد، ولی نظام اقتصادی ثابت ندارد و در شأن آن هم نیست؛ چون نظامات متناسب با عقل و تجربه بشر در حال

تغییر بوده و دولت نیز مسئول هدایت مردم نیست (شمسی، ۱۳۹۰: ص ۱۰۰ - ۱۰۳).

در اندیشه امام خمینی، اسلام از ابتدا دارای نظام‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و فلسفه سیاست نیز هدایت جامعه در راستای مصالح و صلاح فرد و ملت است (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۵، ص ۳۸۹). به نظر ایشان نظام اقتصادی اسلام بسیار غنی و در صورت توجه و عمل به آن، پیشرفت اقتصادی جهان اسلام را موجب خواهد شد (همان: ج ۴، ص ۲۴۲). ایشان نظام اقتصادی غرب و شرق را ظالمانه و منحط دانسته و اقتصاد اسلامی در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه با زراندوزان را پیشنهاد می‌دهد (همان: ج ۲۰، ص ۳۳۹-۳۴۱).

به نظر امام خمینی، اطمینان و حسن نیت داشتن به برنامه‌های غربی و عدم توجه به پیامدهای مخرب آن، می‌تواند امنیت اقتصادی جوامع اسلامی را به خطر بیاندازد. ایشان سازمان‌های بین‌المللی را در خدمت قدرت‌های بزرگ و مجری احکام و مقاصد آنان، و نه در خدمت مظلومین و محرومین معرفی می‌کند (همان: ج ۱۸، ص ۴۸؛ ج ۱۷، ص ۳۰۶) و بر مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب تاکید می‌نماید (همان: ج ۲۰، ص ۳۳۹). همچنین ایشان بر اساس قاعده نفی سیل، روابط اقتصادی را که موجب تسلط سیاسی یا غیر سیاسی کفار بر مسلمین می‌شود را حرام می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۵۵۱-۵۵۲).

۳-۵. تقدم توسعه اقتصادی بر عدالت اجتماعی

از مهم‌ترین ارکان امنیت اقتصادی، ارتقای قابلیت پاسخ‌گویی حکومت برای برآوردن نیازمندی‌ها و تأمین مطالبات متنوع شهروندان است. چنین قابلیتی با تأمین رضایت مردم می‌تواند موجبات تأمین امنیت اقتصادی را فراهم آورد (کریمی و بابایی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۳). بر اساس آمار، سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی به نابرابری اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، دامن زد و موجب بسیاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی گردید. در این دوره وضعیت توزیع درآمد در کشور به گونه‌ای بود که ۱۰ درصد ثروتمندترین گروه درآمدی، ۳۰ درصد از کل مصرف و ۱۰ درصد فقیرترین اقشار حدود ۱/۵ درصد را به خود اختصاص می‌دهند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۱۸۱-۱۸۳). در سال ۱۳۷۳ در دو جامعه شهری و روستایی به ترتیب گروه‌های هزینه‌ای یکم تا هفتم و یکم تا ششم زیر خط فقر قرار داشتند و ۵۵ درصد جامعه شهری و ۶۵ درصد جامعه روستایی از نظر تغذیه معمولی دچار فقر بودند. البته خاطرنشان می‌شود

که تمام این خانوارها به یک اندازه دچار فقر غذایی نیستند، خانوارهای نزدیک به خط فقر کم تر و خانوارهای قرار گرفته در گروه های هزینه ای پایین تر، بیشتر هستند (دینی، ۱۳۷۴: ص ۱۲۶).

ازجمله پیامدهای سیاست تعدیل، انحصارطلبی محافظه کاران بود که با توسعه همگانی و رشد عادلانه مخالف بودند. لازمه خروج از این وضعیت، توسعه همزمان و هم سویی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود که پیگیری نشد (رئیس دانا، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳-۱۵۹). بعضی از مقامات رسمی دولت تصریح می کردند که برای رسیدن به توسعه باید تا مدتی عدالت را کنار نهیم تا از شتاب قطار توسعه کاسته نشود. اجرای عدالت در جامعه ای که رشد اقتصادی نیافته، به معنی توزیع فقر است. بنابراین، ابتدا باید ثروت تولید کرد و آنگاه به عدالت روی آورد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ص ۵۹).

اما در تفکر امام خمینی، فلسفه وجودی حکومت، اجرای عدالت اجتماعی است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۷۶). به نظر ایشان عمل به احکام اقتصادی اسلام، هم استعدادهای انسانی را در این عرصه شکوفا کرده و مشکل فقر را از بین می برد و هم از فساد اقتصادی جلوگیری می نماید (همان، ۱۳۸۹: ج ۵، ص ۳۸۲-۳۸۳). امام خمینی معتقد است که هرگونه رشد و پیشرفت باید در پرتو عدالت اجتماعی صورت گیرد و این به منزله میزان سنجش مقبولیت و کارآمدی سیاست ها و رفتار دولت و زمامداران است (همان: ج ۶، ص ۵۲۵). لذا، بر ضرورت برنامه ریزی و سیاست گذاری همه جانبه دولت برای بهبود سطح معیشت و شرایط رفاهی زندگی مردم تاکید می کردند (همان: ج ۲۰، ص ۳۴۱).

از جمله لوازم مهم تأمین امنیت اقتصادی، جلب رضایت اکثریت شهروندان، بویژه طبقات متوسط به پایین و آسیب پذیر جامعه است که بیشتر جمعیت کشور را پوشش می دهند. به نظر امام خمینی، بزرگ ترین تکلیف دولت ایجاد آرامش و رفاه است (همان: ج ۱۴، ص ۱۴۹) و نارضایتی و ناامیدی قشر مستضعف جامعه از دولت می تواند زمینه اعتراض و شورش آن ها را فراهم سازد (همان: ج ۱۰، ص ۳۴۷-۳۴۸)، مانند شورش ۹ خرداد ۱۳۷۱ در مشهد.

ایشان معتقد است که جمهوری اسلامی باید بتواند رفاه را برای فقرا فراهم آورد و مستمندان را به حقوق خودشان برساند (همان: ج ۶، ص ۵۲۵). امام خمینی، از بین رفتن مستکبرین را مقدمه و رفاه مستضعفین را یکی از مقاصد اسلام می داند (همان: ج ۷، ص ۵۳۱) و اولویت برنامه دولت نیز، باید سازندگی و محرومیت زدایی از روستاها باشد، به ویژه مناطقی که زیر پای آنها نفت وجود دارد، ولی خودشان در فقر و محرومیت به سر می برند (همان: ج ۹، ص ۴۸۴-۴۸۵).

۵-۴. تداوم وابستگی به نفت

وابستگی به نفت در دولت هاشمی رفسنجانی بیش از گذشته تداوم پیدا کرد، به گونه‌ای که به طور متوسط در دهه ۱۳۷۰ سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای عمومی بیش از ۵۰ درصد بود. سایر درآمدهای دولت نیز متأثر از درآمدهای نفتی بود (بهکیش، ۱۳۸۱: ص ۱۹۱). مقام معظم رهبری نیز از نگاه مرعوبانه و خود کم‌ترینانه مدیران تکنوکرات دولت سازندگی با کنایه یاد کرده و آن‌ها را به عدم حرکت در راستای قطع وابستگی از نفت متهم می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱/۱).

نوسانات ناشی از قیمت نفت و سلب برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق برای کشور و همچنین سوء استفاده دشمن از این وابستگی، ضریب امنیت جامعه را کاهش می‌داد (نصری، ۱۳۸۰: ص ۲۳۹). همچنین برخورداری دولت از منابع سرشار نفتی، وابستگی آن را به منابع دیگر از جمله مردم کم‌تر نموده و شکاف بین دولت و مردم را ایجاد می‌کرد (همان: ص ۲۱۳-۲۱۶).

در اندیشه امام خمینی، ابتنای اقتصاد کشور بر فروش نفت و تبدیل کشور به بازار مصرف غرب، تهدیدی جدی علیه امنیت اقتصادی کشور قلمداد شده و مانع استقلال اقتصادی کشور می‌شود. لذا، ایشان بر اقتصاد مبتنی بر تولید تاکید می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۴، ص ۳۶۴). ایشان از یک‌سو، نفت را منبعی پایان‌پذیر دانسته که نمی‌توان سیاست اقتصادی کشور را بر فروش آن مبتنی ساخت (همان: ج ۴، ص ۴۷۰-۴۷۱) و از سوی دیگر، این منبع انرژی خدادادی را مختص نسل حاضر ندانسته و لازم می‌داند که با صرفه‌جویی در مصرف آن و استفاده به قدر ضرورت، آن را برای نسل‌های آینده نیز حفظ نماییم (همان: ج ۵، ص ۱۱۳-۱۱۴). به نظر ایشان، بهترین راه مبارزه با ناامنی و کاهش تهدیدهای امنیتی در حوزه اقتصاد، رسیدن به خوداتکایی همه‌جانبه است و در این رابطه توسعه بخش کشاورزی و صنعت را پیشنهاد می‌دهد (همان: ج ۱۷، ص ۳۳). توجه به بخش کشاورزی مانع مهاجرت روستائیان به شهر و آثار منفی آن، خواهد شد (همان: ج ۱۸، ص ۲۵۸). جدا از اینکه اقتصاد مبتنی بر کشاورزی بیشتر می‌تواند کشور را در برابر تحریم‌های دشمن حفظ کند تا اقتصاد مبتنی بر نفت.

توصیه امام خمینی در رابطه با تأمین بودجه اداره کشور، توجه به نظام پرداخت مالیاتی است تا وابستگی به فروش نفت. ایشان معتقد است که حکومت باید به گونه‌ای اعتماد مردم را جلب نماید که آن‌ها از روی میل و رضایت قلبی، مالیات خویش را پرداخت نمایند. اگر مردم ببینند که دولت، وظیفه اخلاقی خود را در قبال مردم انجام می‌دهد، در رفع نیازهای مردم تلاش می‌کند، انتظامات داخلی را حفظ کرده و کشور را در

برابر تجاوز بیگانگان، محافظت می‌نماید ... و با میل و رغبت، مالیات خویش را به دولت پرداخت می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۲۳۴).

۵-۵. افزایش فاصله طبقاتی

پدیده فقر در جامعه، نه تنها امنیت روحی و روانی شهروندان و پرستیژ و اعتبار نظام دینی را مخدوش ساخته و با کاهش اعتبار و تضعیف جایگاه کشور در عرصه جهانی، ضریب امنیت آن را پایین می‌آورد، بلکه به قطبی شدن جامعه، نابسامانی سیاسی و اجتماعی جامعه می‌انجامد که خود باعث ناامنی اقتصادی و کاهش درجه امنیت ملی می‌شود.

در الگوی لیبرالیستی توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی بر عدالت اجتماعی تقدم و ارجحیت دارد، به صورتی که توسعه یافتگی با شاخص تولید ناخالص ملی سنجیده می‌شود که در آن، توزیع درآمدها دیده نمی‌شود. حال آنکه توسعه بدون عدالت به شکل‌گیری قله‌های ثروت و دره‌های فقر می‌انجامد و به این ترتیب، فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد. گزارش‌های رسمی دولت نشانگر بهره‌مندی پانزده برابری ده درصد از افراد پردرآمد جامعه، نسبت به ده درصد افراد کم‌درآمد در سطح کشور در سال ۱۳۷۳ بود که دلالت واضحی بر فاصله طبقاتی و توزیع ناعادلانه درآمدها در آن دوره دارد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ص ۵۹).

در سال ۱۳۷۳ شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی در شهرها ۳۵/۲ درصد نسبت به سال ۱۳۷۲ افزایش داشت. لکن برحسب آمار بانک مرکزی در پایان خرداد ۱۳۷۴، نسبت به همین زمان در سال ۱۳۷۳، سطح عمومی قیمت‌ها ۵۶/۴ درصد افزایش داشت که حاکی از افزایش تورم برابر همین نرخ در کشور بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۱۴۰-۱۵۹). شکاف بین هزینه و درآمد در خانوارهای شهری، مقوله کارکرد تورم و کاهش قدرت خرید شهروندان را آشکار می‌ساخت. این پدیده (افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها)، سبب شده بود که جامعه دو قطبی شود (طبقه مرفّه و طبقه فقیر) و تعادل اجتماعی، آسیب‌پذیر گردد. ادامه این روند باعث افزایش جمعیت زیر خط فقر می‌شد. همچنین اثرات بازتوزیعی درآمدها در شرایط تورم به شدت کاهش یافته و باعث افزایش فاصله طبقاتی نیز شده بود (همان).

در اندیشه امام خمینی فاصله طبقاتی در جامعه امری باطل و خلاف انصاف و منطق اسلام است (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۴۷۰). به نظر او وظیفه دولت، ریشه‌کن کردن فقر و اعمال سیاست‌های محرومیت‌زا در کل جامعه بوده و غفلت از قشر مستضعف، نشانه انحراف از انقلاب اسلامی است (همان: ج ۲۰،

ص ۳۴۱). ایشان حمایت محرومین و روستائیان از انقلاب را علت پیروزی انقلاب مطرح کرده و بر دولت لازم می‌داند تا از این قشر حمایت کند (همان: ج ۱۷، ص ۴۲۵-۴۲۶). به نظر امام خمینی جمهوری اسلامی باید بتواند رفاه را برای فقرا فراهم آورد و مستمندان را به حقوق خودشان برساند (همان: ج ۶، ص ۵۲۵). لذا، برای از بین بردن فاصله طبقاتی در جامعه پیشنهاد می‌دهد که دولت زمینه مشارکت مردم و بخش خصوصی در اقتصاد را فراهم آورد. به نظر ایشان دولت بی‌شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم، با شکست مواجه خواهد شد و آزادی بخش خصوصی نیز باید بگونه‌ای باشد که به نفع مردم محروم و مستضعف تمام شود (همان: ج ۱۹، ص ۱۵۸).

۵-۶. شیوع فساد مدیریتی

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، فشارهای گسترده‌ای جهت اجرای روند خصوصی‌سازی در ایران اعمال می‌کردند. در این مرحله، بخش عمده‌ای از امکانات دولتی در اختیار گروه‌های جدیدی قرار گرفت که قدرتش را از طریق جایگاه و موقعیت سیاسی خود به دست آورده بودند. بنابراین، طیف گسترده‌ای از کارخانجات که در فضای آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی قرار گرفته بودند، به عنوان موضوع اصلی رانت دولتی تلقی می‌شدند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۲-۲۳).

همچنین سوءاستفاده‌های مالی زیادی در نظام بانکی و ادارات دولتی صورت گرفت، بگونه‌ای که در بسیاری از موارد، این فساد، شکل قانونی به خود می‌گرفت و یا توجیه می‌شد. مقام معظم رهبری در سال‌های نخست استقرار دولت سازندگی، نسبت به فراهم آمدن زمینه‌های شکل‌گیری فساد اقتصادی هشدار داده و با صراحت از ثروت‌های باد آورده سخن گفتند، اما با کم‌اعتنایی یا بی‌اعتنایی مدیران عالی دولتی مواجه شد. در این دوره، اختلاس، رشوه، رانت‌خواری، اسراف و تبذیر، اعطای پاداش‌های کلان به مدیران دولتی، حجم زیاد مسافرت‌های خارج از کشور، عضویت آن‌ها در شرکت‌های اقتصادی خصوصی، جولان دادن به اطرافیان برای فعالیت اقتصادی متکی بر ویژه‌خواری و رفاه‌طلبی آن‌ها از جمله آسیب‌های ویرانگری بود که امنیت اقتصادی را تهدید می‌نمود.

به دنبال خطبه هاشمی رفسنجانی در آبان ۱۳۶۸، مدیران دولتی میدان فراخی را در مقابل خود دیدند که به آن‌ها اجازه می‌داد به عنوان حفظ شوکت و عزت انقلاب، اسراف و تبذیر پیشه کنند، تا آنجا که مقام معظم رهبری در یک سخنرانی عمومی، به این رویه اعتراض کرده و با تند و زبان توبیخ و انذار، با مدیران

دولتی سخن گفتند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۵/۲۳). ایشان همچنین در این دوره نسبت به شکل‌گیری طبقه ممتازان و مرفهان بی‌درد در بین مسئولین نیز هشدار می‌دادند (مقام معظم رهبری، ۷۶/۴/۲۵).

در حالی که در اندیشه امام خمینی، مادی‌گرایی و رفاه‌طلبی مسئولین، خیانت به کشور محسوب شده (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۳۲۷) و خطری است که هم کشور را به فساد می‌کشاند و هم ایمان و اعتقاد مردم را نسبت به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران سست کرده و زمینه نفوذ دشمن را فراهم می‌کند (همان: ج ۱۴، ص ۳۹۱-۳۹۲؛ ج ۱۷، ص ۳۷۶-۳۷۷). ایشان بر حرمت اسراف و تبذیر تاکید کرده (امام خمینی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۵۰) و فرمان می‌دهند که تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچک‌ترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی پرهیزند (همان، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۲۶۶).

در اندیشه ایشان، چرخ اقتصاد را مردم می‌چرخانند و وظیفه دولت تنها نظارت بر امور اقتصادی و جهت‌دهی صحیح به آنهاست، نه ورود به اقتصاد (همان: ج ۱۹، ص ۳۴-۳۵). او روند خصوصی‌سازی را بگونه‌ای درست و صحیح می‌داند که، کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد، در این امر دخالت نمایند و نتیجه آن نیز باید بگونه‌ای باشد که به نفع مردم محروم و مستضعف تمام شود (همان: ج ۱۹، ص ۱۵۸). در حالی که ورود منفعت‌طلبانه مدیران دولتی در روند خصوصی‌سازی در این دوره، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری فساد مدیریتی محسوب می‌شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۱۶۸-۱۶۹).

۵-۷. افزایش واردات و ترویج مصرف‌گرایی

سیاست مبتنی بر واردات برخلاف مسیر خوداتکائی و استقلال اقتصادی، تضعیف‌کننده قدرت داخلی و مقوم وابستگی است و خود باعث تضعیف امنیت ملی می‌شود. نمایش ثروت و تبلیغ کالاهای جدید و مدرن، نیاز به داشتن این کالاها را در مردم ایجاد می‌کند، در حالی که با گسترش تورم، قدرت خرید آنها کاهش یافته و دیگر امکان ارضای نیاز وجود ندارد و این یک خودکشی سیاسی - اجتماعی و فرهنگی برای یک نظام بوده و در هیچ کشور پیشرفته، سیاست‌مداران اینگونه عمل نمی‌کنند. آنها همواره به اندازه قدرت خرید مردم تبلیغ کرده و اجازه ورود کالا به کشورشان را می‌دهند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ص ۲۰۱-۲۰۷).

طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ واردات کشور به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. رقم واردات که در سال ۱۳۶۷ حدود ۹ میلیارد دلار بود، در سال ۱۳۷۱ به حدود ۱۴ میلیارد دلار رسید (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۴).

در سال ۱۳۷۵ نیز با توجه به میل مصرف زیادی که در کشور وجود داشت، تقریباً میزان واردات از نظر وزن و ارزش افزایش داشت. متأسفانه اکثر کالاهای وارداتی نیز مصرفی بوده، در حالی که کالاهای وارداتی باید به عوامل تولیدی شتاب بدهند، برای تجهیز و ایجاد ارزش افزوده مواد اولیه به کار روند و به صادرات غیر نفتی ضریب دهند (همان: ص ۱۸۸).

امام خمینی واردات بی‌رویه را مانع استقلال اقتصادی جامعه و کشور می‌دانست (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۱۱۶) و با توجه به غنای کشور ایران از نظر منابع گسترده اقتصادی، راه‌هایی از آسیب‌ها و نجات از تهدیدها و تأمین مایحتاج را در اتحاد و تلاش برای کار بیشتر بیان می‌کرد که می‌توانست نیاز کشور به واردات را مرتفع سازد (همان: ج ۱۲، ص ۲). به نظر ایشان، افزایش واردات و عادت مردم به مصرف‌گرایی، در نهایت منجر به وابستگی کشور به غرب خواهد شد و این خلاف مقتضای قاعده نفی سبیل است (همان، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۵۵۳). امام خمینی ضمن اعتقاد به این مهم که این اصل دارای جنبه سیاسی است (همان، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص ۷۲۵)، آن را یکی از اصول مهم اسلامی برمی‌شمارد (همان، ۱۳۸۴: ص ۴۷۰). به نظر امام خمینی استقلال همه‌جانبه یک کشور زمانی اتفاق می‌افتد که به توان و نیروی داخلی متکی بوده و به رشد اقتصادی از طریق واردات، دل نبندد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۱۱۶). ایشان حتی محاصره اقتصادی و تحریم را هدیه‌ای می‌داند که در نهایت باعث رشد و شکوفایی استعدادهای داخلی می‌گردد (همان: ص ۱۱۴).

وابستگی اقتصادی، جدی‌ترین عامل تهدید امنیت اقتصادی و در نتیجه استقلال ملی است، زیرا زمینه وابستگی در سایر ابعاد سیاسی، نظامی و فرهنگی را نیز به دنبال دارد و شرایط برای اعمال سلطه بیگانگان بر کشور را فراهم می‌آورد. وابستگی کشور به خارج در زمان صلح، رکود توان ملی و نابودی قدرت ابتکار و خلاقیت نیروی انسانی را فراهم می‌آورد و در زمان جنگ و بحران نیز، زمینه‌ساز اعمال فشار، تهدید و تحریم می‌شود. امام خمینی به این امر توجه داشته، لذا وابستگی اقتصادی را زمینه وابستگی سیاسی و حتی نظامی می‌داند (همان: ج ۱۲، ص ۴۱). به نظر ایشان وابستگی کشور در خوراک و پوشاک، وسائل نقلیه و ضروریات زندگی به خارج از کشور، در حقیقت نوعی اسارت است (همان: ج ۱۳، ص ۳۱۲-۳۱۳). ایشان حتی وابستگی به کشورهای مسلمان را هم خوب نمی‌داند، چه رسد به وابستگی به کشورهایی که در طول تاریخ دشمن ما بودند (همان: ج ۱۰، ص ۴۴۲-۴۴۳).

امام خمینی زمینه‌های خودکفایی و استقلال را برای کشور فراهم می‌بیند و در این راه لازم می‌داند که

اولاً نگاه و امید ما به خارج از کشور منقطع گردد (همان: ج ۱۶، ص ۱۰۴-۱۰۵)، ثانیاً، هر کس در هر موقعیتی که هست و به هر مقدار که توان دارد، در جهت خودکفایی تلاش و کوشش نماید و در قدم اول نیز لازم است تا کشور در عرصه کشاورزی و دامداری مستقل باشد (همان: ج ۱۱، ص ۴۱۴). به نظر ایشان بیکاری و کم‌کاری، آفت خودکفایی و استقلال کشور است (همان: ج ۱۱، ص ۴۷۷). ثالثاً، اعتماد به نفس‌مان را بازیایم و احساس ترس و ناتوانی نداشته باشیم. چرا که به نظر ایشان غربی‌ها تلاش کردند تا ما را از خود بی‌خود کنند و به ما تلقین نمایند که هیچی نیستیم و هرچه هست، غرب است و باید به آن‌ها تکیه کنیم (همان: ج ۹، ص ۳۹۰-۳۹۱).

۵-۸. افزایش بیکاری

کار و نیروی کار یکی از عوامل اصلی تولید، رشد و رونق اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی است و بیکاری نیز، از نشانه‌های بیماری و آسیب‌های جدی اقتصادی بشمار می‌آید... و نقش فزاینده‌ای در تضعیف پایه‌های اقتصاد ملی داشته و چرخه باطل عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی جوامع را تشدید می‌کند (کریمی و بابایی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست جمعیتی دولت باعث افزایش جمعیت شد. عدم سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، سرازیر شدن نقدینگی به بخش سوداگری و کاهش رشد تولید ناخالص ملی و سیاست‌های غلط دولتی، به پدیده بیکاری دامن زد. رشد سریع جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ و رسیدن افراد به سن کار در سال‌های پس از ۱۳۷۰ به ویژه از سال ۱۳۷۵ به بعد و عدم ایجاد اشتغال برای آنان، باعث افزایش بیکاری شد. در سال ۱۳۷۴ بنا به گزارش بانک مرکزی، تعداد بیکاران ۹/۳ درصد افزایش یافته، کل بیکاران از ۱/۷ میلیون نفر به ۱/۹ میلیون نفر رسیده و نرخ بیکاری از ۱۰/۵ درصد به ۱۰/۸ درصد افزایش یافت (مهاجرانی، ۱۳۷۷: ص ۱۸۳). همچنین بی‌اعتنایی برنامه‌ریزان به روند رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ در سیاست‌های توسعه اقتصادی تنظیم شده برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸، عدم موفقیت دولت در رسیدن به اهداف برنامه از نظر ایجاد اشتغال صنعتی به ویژه در صنایع بزرگ، روی آوردن جوانان به شهرها و تمرکز بیکاری در شهرها، از عوامل پیدایش بیکاری در این دوره بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۱۵۵-۱۵۶).

به نظر امام خمینی، تضعیف کار و کارگر باعث وابستگی اقتصادی به خارج شده (امام خمینی، ۱۳۸۹:

ج ۱۲، ص ۱۰) و اقتصاد کشور را با شکست مواجه می‌سازد (همان: ج ۱۸، ص ۲۸۲). ایشان کارگران و کشاورزان را ستون فقرات انقلاب و اساس استقلال کشور معرفی می‌کند که با تلاش آن‌ها استقلال و آزادی کشور تأمین می‌شود و به بیان دیگر، امنیت اقتصادی کشور تأمین می‌گردد (همان: ج ۱۴، ص ۳۲۸-۳۲۹). به نظر امام خمینی حتی کم‌کاری در محیط کار هم به عنوان یکی از تهدیدات امنیت اقتصادی به حساب می‌آید (همان: ج ۷، ص ۱۳۶). نزد اندیشمندان غربی نیز در حوزه اقتصادی، واضح‌ترین راه برای افزایش امنیت بازیگران، کاهش میزان وابستگی‌های متقابلی است که آن‌ها را آسیب‌پذیر می‌سازد (بوزان، ۱۳۹۹: ص ۲۴۰).

۵-۹. انحراف در خصوصی‌سازی

به دنبال توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، پس از سال ۱۳۶۸ در دستور کار مسئولین قرار گرفت. اولین تصمیم‌ها در مورد واگذاری سهام متعلق به دولت، در اردیبهشت سال ۱۳۷۰ در هیئت وزیران اتخاذ شد که موضوع آن واگذاری ۳۳ درصد از سهام قابل واگذاری هر شرکت یا کارخانه تولیدی به کارگران و کارکنان آن بود. در این مصوبه تصریح شده است که اولویت واگذاری از طریق سازمان بورس اوراق بهادار باشد. هیئت وزیران به دلیل کُند بودن روند واگذاری و عملکرد ضعیف بورس در اوایل سال ۱۳۷۱، بندهای ۳ و ۵ تصویب‌نامه اردیبهشت ۱۳۷۰ خود را اصلاح کرد. در متن اصلاحیه پیش‌بینی شده بود که علاوه بر روش بورس، روش مزایده و روش مذاکره هم اعمال شود! این در واقع شروع فساد بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۱۶۸-۱۶۹).

هرچند مصوبه هیئت وزیران تمهیداتی جهت کنترل کار و سلامت نحوه واگذاری تدارک دیده بود، ولی در عمل به بسیاری از موارد عمل نشد و دست مدیران به فساد آلوده گشت. تا اینکه در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۴، شورای اقتصاد که از سوی دولت اختیار داشت، مصوبه‌ای را گذراند که بر طبق آن (ماده ۴ آیین‌نامه) سهام واگذاری متعلق به دولت، می‌توانست به مدیران همان شرکت‌ها واگذار شود. این مصوبه که مغایر با قانون مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارکنان دولت در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۷۲ بود، بر گسترش فساد افزود. با این حساب هیئت دولت به نیابت از شورای اقتصاد، زمینه فساد را فراهم ساخت تا اینکه به دنبال اعتراض‌های گسترده در سال ۱۳۷۳، این روند واگذاری متوقف گردید (همان).

این در حالی بود که در نظر امام خمینی، دولت وظیفه داشت مشارکت مردم در عرصه اقتصاد را تسهیل

نموده و از انحصارگرایی، دولت‌سالاری و استقرار اقتصاد کاملاً دولتی به شیوه کمونیستی پرهیز نماید. به نظر ایشان، دولت‌گرایی اقتصادی و تضییق دایره مشارکت مردم و تحدید مداخله بخش خصوصی و کنار نهادن آنان از عرصه اقتصاد، پیامدهای ناگوار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۸). اما متأسفانه در دولت هاشمی رفسنجانی به این مسأله اهمیت چندانی داده نشد، بگونه‌ای که آثار منفی آن را هنوز در عرصه اقتصاد مشاهده می‌کنیم، زیرا بسیاری از کارخانه‌ها به ناکارآمدی و تعطیلی کشانده شدند و ضربه جدی به تولید وارد آمد. ایشان در رابطه با روند خصوصی‌سازی نیز تأکید داشتند که دولت از بازاریان مومن و متعهد و انقلابی استفاده نماید تا این کار به نفع مردم محروم و مستضعف صورت گیرد (همان: ج ۱۹، ص ۱۵۸)، که در عمل اتفاق نیفتاد.

۶. نتیجه‌گیری

اینکه نظام جمهوری اسلامی بعد از غلبه بر مشکلات بزرگی همچون استبداد، آشوب‌های داخلی و جنگ تحمیلی، چگونه گرفتار مشکلاتی شد که امنیت اقتصادی‌اش را تهدید می‌کرد؟ سئوالی است که انگیزه نگارش پژوهش پیش‌رو را ایجاد نمود. با توجه به نقش مسلم سه عامل ایمان به خدا، اتکاء بر مردم و رهبری امام خمینی در فائق آمدن بر مشکلات دهه اول انقلاب، در این پژوهش نشان داده شد که غفلت از اندیشه‌ها و توصیه‌های امام خمینی، در بروز تهدیدات امنیت اقتصادی در دهه دوم انقلاب، نقشی اساسی داشت. توسعه نامتوازن، گرایش به اقتصاد سرمایه‌داری، غفلت از عدالت اجتماعی، وابستگی به نفت، فاصله طبقاتی، فساد اداری و مدیریتی، افزایش واردات و ترویج مصرف‌گرایی، بیکاری، انحراف در خصوصی‌سازی، امنیت اقتصادی جامعه را تهدید می‌نمود که در صورت توجه به اندیشه امام خمینی، جامعه اسلامی با چنین تهدیداتی مواجه نمی‌شد.

منابع

- آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۱). کارنامه اقتصاد ایران پس از انقلاب. / *ایران نامه*، شماره ۴۰.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی؛ اقتصاد، دفاع، امنیت. ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین چی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی. تهران: فرهنگ گفتمان.
- بشیری، حسین (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه (مبانی علم سیاست تأسیسی). تهران: نگاه معاصر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۹۹). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه محمدعلی قاسمی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۱). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۴). مطالعه آسیب‌شناسانه سیاست‌های دولت سازندگی. *پانزده خرداد*، شماره ۴۵.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸). امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مولفه‌ها). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حمیدی، حبیب‌الله (۱۳۷۹). نقد ناتمام. تهران: انتشارات فرنور.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۱/۰۱). بیانات در حرم مطهر رضوی. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/22233>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۵/۲۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2478>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۰۴/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2844>
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر ۴۵.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). تحریر الوسیله (ترجمه فارسی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). استفتانات. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۵، ج ۲۱-۱۶، ۱۴-۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دینی، علی (۱۳۷۴). تعدیل اقتصادی و فقر غذایی در ایران. *اطلاعات سیاسی/اقتصادی*، شماره ۱۱۳-۱۱۴.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۹). الگوی توسعه اقتصادی ایران. تهران: نشر توسعه.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد، کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. تهران: سهامی انتشار، چاپ دوم.

- رفیعی، محمدحسین (۱۳۸۰). توسعه ایران. تهران: نشر مهدیه.
- روزکرناس، ریچارد (۱۳۸۶). اقتصاد و امنیت ملی: روند تکاملی در رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی. ترجمه سید محمدعلی متقی‌نژاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج ۱.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۱). بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران. تهران: نشر چشمه.
- سیف‌الهی، سیف‌الله (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران: مجموعه مقاله‌ها و نظرها. تهران: جامعه‌پژوهان سینا.
- شمسی، عبدالله (۱۳۹۰). حزب کارگزاران سازندگی. قم: زمزم هدایت.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). فقه و مصلحت. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰). تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، ج ۲.
- کریمی، علی؛ بابایی، اکبر (۱۳۹۲). امنیت ملی از منظر امام خمینی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی ایران (برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران). تهران: نشر اختران.
- مصلی‌نژاد، غلام‌عباس (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران. تهران: نشر قومس.
- مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۷۷). اشتغال و بیکاری در ایران. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۹-۱۳۰.
- نصری، قدیر (۱۳۸۰). نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- واعظی، احمد (۱۳۹۸). رویکردهای فقهی: فقه فردی، فقه نظام‌های اجتماعی، فقه حکومتی. قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن شلاق. تهران: نشر علم.